

کیهان

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

کرایه دادن اموال مسجد در ازای دریافت وجه

س) آیا جایز است برای تأمین مخارج و هزینه‌های جاری مسجد، اموال مسجد را (که وقف نیستند) به طور موقت در اختیار مردم قرار دهیم و در عوض مبالغی برای مسجد دریافت کنیم؟

ج) متولی امر مسجد می‌تواند برای فعالیت‌های متناسب با شأن مسجد (با رعایت مصلحت)، اموالی را که وقف نیستند برای مدت معین در اختیار افراد قرار دهد و مبلغی برای مسجد دریافت کند.

اولویت در پرداخت بدهی‌های میت

س) برادرم فوت کرده و گزاره مالی برعهده دارد و به چند نفر نیز بدهکار است؛ کدام‌یک از بدهی‌ها مقدم است؟

ج) اگر اموال برادر برای هر دو مورد کافی است، هر دو باید کامل پرداخت شود و گرفته باید به نسبت توزیع گردد.

زمان خواندن نماز آیات در خورشید و ماه‌گرفتگی

س) وقت خواندن نماز آیات در خورشید و ماه‌گرفتگی دقیقاً چه زمانی است؟

ج) وقت وجوب نماز آیات در خورشید و ماه‌گرفتگی از زمانی است که خورشید یا ماه شروع به گرفت می‌کند و بنابر احتیاط واجب نماز را به قدری تأخیر انداخت که شروع به باز شدن کند. اگر مکلف نماز آیات را بقدری تأخیر بیندازد که خورشید یا ماه شروع به بازشدن کند، باید نماز را به قصد قربت؛ بدون نیت ادا یا قضا (به قصد ما فی‌الذمه) به جا آورد؛ ولی اگر نماز را تا باز شدن کامل آن به تأخیر اندازد، باید نماز را به نیت قضا بخواند.

کسی که هنگام گرفتن ماه اصلاً مطلع نشود و بعد از باز شدن آن بفهمد، درصورتی که گرفتگی کامل بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند.

کیفیت نماز آیات: نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد و به چند صورت می‌توان نماز آیات را به‌جا آورد: **صورت اول:** بعد از نیت و تکبیرالاحرام، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و حمد و سوره بخواند و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین‌طور ادامه دهد تا یک رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را به‌جا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

صورت دوم: بعد از نیت و تکبیرالاحرام، حمد و یک آیه از سوره‌ای را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود و بعد سر از رکوع برداشته و آیه دیگری از همان سوره را قرائت کند و همین‌طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره‌ای که پیش از هر رکوع، یک آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود.

سپس رکوع پنجم را به‌جا آورد و به سجده رود و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام کند و حمد و آیه‌ای از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین‌طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره‌ای که ابتدا کند، تکبید سوره حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند.

ارث حق تألیف میت

س) پدر ما وصیت کرده است که ثلث اموالش در راه خاصی مصرف شود؛ آیا حق التألیف کتاب‌های او هم جزء اموال اوست و باید ثلث آن نیز محاسبه شود؟ و آیا باید ثلث حق‌التألیف هربار تجدید چاپ را نیز محاسبه کنیم؟

ج) اصل حق‌التألیف، حُرّ که ترک مالی میث است و باید حق‌التألیف قیمت‌گذاری شده و با توجه به آن، ثلث محاسبه شود و طبق وصیت عمل گردد، پس از انجام این کار، حق‌التألیف چاپ‌های جدید مشمول وصیت نیست و متعلق به ورثه است اما اگر این کار انجام نشده است، وصیت‌کننده در حق‌التألیف چاپ‌های جدید نیز شریک است و باید ثلث آن مطابق وصیت هربار محاسبه شود.

اسلام و آزادی تفکر

دینی که از مردم در اصول خود تحقیق می‌خواهد(و تحقیق هم یعنی به دست آوردن مطلب از راه تفکر و تعقل) خواه و ناخواه برای مردم آزادی فکری قائل است.

می‌گویید، اصلا من تا تو «لا اله الا الله» را که در آن فکر نکرده‌ای و منطقت را به کار نینداختنه‌ای نمی‌پذیرم، نبوت و معاد را که تو از راه رشد فکری انتخاب نکرده‌ای و به آن نرسیده‌ای من از تو نمی‌پذیرم. پس ناچار به مردم آزادی تفکری می‌دهم.

مردم را از راه روحشان هرگز نمی‌ترساند، نمی‌گوید مبدا در فلان مسئله فکر بکنی که این وسوسه شیطان است و اگر وسوسه شیطان تو پیدا شود به سر در آتش جهنم می‌روی. در این زمینه احادیث زیادی هست. از آن جمله است که پیغمبر اکرم(صلی‌الله علیه و آله) فرمود: از امت من نه چیز برداشته شده است.

یکی از آنها این است: الوسوسة فی التفکر فی الخلق یا التفکر فی الوسوسة فی الخلق، یعنی یکی از چیزهایی که امت مرا هرگز به خاطر آن معذب نخواهند کرد، این است که انسان درباره خلقت، خدا و جهان فکر بکند و وسوسای در دلش پیدا شود.

یادمانی که او در حال تحقیق و جست‌وجو است، هرچه از این شک‌ها در دلش پیدا شود، خدا او را معذب نمی‌کند و آن را گناه نمی‌شمارد. شک منزل بدی است ولی معبر خوب و لازمی برای رسیدن به ایمان[است.

استاد شهید مطهری، **پیرامون جمهوری اسلامی،** صص ۱۲۵–۱۲۴

دانایی و توانایی

فردوسی شعر دارد و مضمون حدیث هم هست. البته این شعر در سطح پایین‌تری است: «توانا بود هر که دانا بود» دانایی یا همدیگر هستند. مقصود این است که هر کسی هر اندازه که دانا باشد بر قدرتش افزوده می‌شود. البته او از این راه می‌گوید که انسان وقتی دانا بود قانون جهان را بهتر می‌داند و وقتی قانون جهان را بهتر دانست بهتر می‌داند که چگونه اشیا، جهان را در خدمت بگیرد.
وقتی آنها را در خدمت گرفت بر قدرت و توانایی‌اش افزوده می‌شود. ولی این معنا را به مفهوم وسیع‌تری قائل هستند و می‌گویند اساسا علم و قدرت عین یکدیگرند، علم عین قدرت است و قدرت عین علم است و این تفکیکی که انسان میان علم و قدرت می‌کند یک اشتباه است، اصلا خود علم قدرت است و قدرت علم است و لِهذا در ذات پروردگار هر دو به شکل واحد موجود هستند.
ما می‌بینیم در قرآن در آن آیه که صحبت از علم است می‌گوید «علمه شدید القوی» (تج/۵)، نمی‌گویند «علمه کثیر العلم» در اینجا که صحبت قدرت است، علم را به میان می‌آورد.
استاد شهید مطهری، **نبوت،** ص ۱۹۰

توبه و استغفار از مهم‌ترین امور عبادی است که بندگان صالح و حتی پیامبران بدان اهتمام داشتند تا جایی که از سوی خدا پیامبر اکرم(ص) مامور به استغفار می‌شود، زیرا حقیقت توبه و استغفار فراتر از آنچه اکثریت متشرعین می‌فهمند، عمیق‌تر از آن است که در اندیشه و تحلیل ایشان درآید. بر اساس آیات قرآن، از صفات مؤمنان حقیقی «استغفار» ششانه است که ایشان را به مقام محمود می‌رساند و اصولا هر کسی اگر بخواهد از همه گناهان گذشته و آینده برهد و کبیر و حتی ابتلائات الهی را دفع یا رفع کند و بر رکت را برای خویش رقم زند و مشکلاتی چون نازایی را برطرف سازد، می‌بایست به این «سر الهی» یعنی استغفار تمسک جوید. (توح، آیات ۱۰ تا ۱۲؛ هود، آیه ۵۲)

البته توبه مقدمه‌ای برای استغفار حقیقی و قرار گیری تحت اسم اکرامی غفور است؛ بنابراین، لازم است تا به توبه نگاه ویژه‌ای شود.(غافر، آیه ۲۱)

حقیقت توبه و استغفار و مراتب آن

توبه حقیقی به معنای «بازگشت به سوی خدا یا بازگشت از گمراهی به سوی صراط مستقیم عبودیت»، هر چند که با پذیرش خطا و گناه آغاز می‌شود، ولی باید آن را توقیف الهی دانست که رفیق توبه کار شده است؛ زیرا زمانی توبه تحقق می‌یابد که انسان متوجه خطا و گناه خویش شود و این جز با تلنگر خدا تحقق نمی‌یابد؛ از همین رو، گفته شده که هر توبه‌ای در باطن سه توبه است؛ زیرا به فضل الهی نخست خدا به سوی بندش‌اش باز می‌گردد و او را متوجه گناه و خطایش می‌کند؛ دوم بنده متوجه شده و خطا و گناه خویش را می‌پذیرد و به سوی خدا باز می‌گردد، سپس خدا توبه‌بندش را می‌پذیرد و این‌گونه او را تحت اسم غفور قرار می‌دهد و اهل مغفرت می‌شود که بازتاب آن، رفع بلا و مصیبت، عفو بلا و مصیبت و بدل محبت از سوزی خدا و جلب نعمت به سوی بنده است.(بقره، آی۳۷، نور، آیات ۱۴ و ۲۱؛ نساء، آیه ۶۴) بنده توبه کاری که توبه‌اش پذیرفته شده، از ظهور و بروز اسم جلال و حاکمیت آن می‌رهد و تحت وجه اکرامی الهی

امام صادق(ع) درباره مراتب و درجات توبه فرمودند: هر گروهی دارای یک نوع توبه هستند... توبه بندگان خاص و ممتاز، توبه کردن از لحظات غفلت از خدا و متوجه شدن به غیر خداست و توبه توده مردم، توبه از گناهان است.

قرار می‌گیرد و اسمای اکرامی از «رحمان، رحیم، تواب، غفور» و مانند آنها برایش تجلی می‌کند. این‌گونه است که حقیقت «توبه یک مبتدا» از خودت به خودت پناه می‌برم» برای توبه کار مقبول، تجلی می‌یابد که پناه بردن از وجه جلایی به وجه اکرامی است. البته حقیقت توبه با تقوای الهی تحقق می‌یابد؛ زیرا کسی که تقوا نداشته و از جلال الهی «وقایه» پیشه نکیرد، به سوی اسمای جمال و اکرام الهی نمی‌رود. در حقیقت ترس از وجه جلایی است که شخص را به سوی اسم جمالی و اکرامی سوق می‌دهد و این‌گونه از جلال الهی به سوی جمال الهی می‌رود تا خود را از غضب و انتقام الهی نکه دارد؛ از همین روست که امام حسن مجتبی(ع) تقوا را مقدمه‌ای برای توبه می‌داند و می‌فرماید: **التَّوْبَةُ بِأَنْ تَكُونَ تَقْوًا** و پرهیزکاری درب ورودی هر گونه توبه و اثابه است. (بحار، ج ۷۸، ص ۱۱۰) همچنین امام زین‌الدین(ع) می‌فرماید: **مَنْ اشْفَقَ مِنَ التَّارِ بِأَذَى الْتَوْبَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَنْبِهِ وَ رَاجَعَ غِنَ الْمَحْرَمِ، كَسَى كَهَ (براستی) از آتش دوزخ می‌ترسد بی‌درنگ از گناهانش به درگاه خداوند توبه می‌کند و از عمل حرام و ناپاک خود دست برمی‌دارد.** (تحف‌المعول، ص ۲۸۹)

مراتب توبه

توبه و استغفار برای همگان است و عام و خاص ندارد؛ از همین رو پیامبر اکرم(ص) که مظهر کامل اسمای الهی و وجه جلال و اکرام اوست، مامور به توبه و استغفار است(نصر، آیه ۳: فتح، آیات ۱ و ۲)؛ زیرا چنان که درباره حقیقت توبه گفته شد، «بازگشت به سوی خدا» برای هر انسانی معنایی می‌یابد؛ برای مقربان معنایی دارد و برای اصحاب پیام نیز معنایی دیگر. لذا امام صادق(ع) درباره مراتب و درجات توبه فرمودند: و کل فرقة من العباد لهم توبة... و توبة الخاص، من الاشتغال بغیر الله تعالی و توبة العام من الذنوب، هر گروهی دارای یک نوع توبه هستند. توبه بندگان خاص و ممتاز، توبه کردن از لحظات غفلت از خدا و متوجه شدن به غیر خداست

شبهه: در تجربیات نزدیک به مرگ وقتی شخص متوجه اعمالش می‌شود و می‌خواهد دوباره به دنیا برگردد، چرا دوباره به او چنین فرصتی داده می‌شود؛ این با آیه‌ای از قرآن که در مورد کافران گفته شده که وقتی مرگ آنها فرا می‌رسد و حقیقت را می‌فهمند از خدا می‌خواهند آنها را به زمین برگرداند تا عمل صالح انجام بدهند اما خدا به آنها اجازه نمی‌دهد. فرق این دو تا چیست؟ چرا خدا گروه اول (تجربه‌گران) را می‌بخشد و بر می‌گرداند تا جبران کنند؟

پاسخ: تجربه نزدیک مرگ ^(۱) نوعی تجربه بسیار عمیق و معنوی است که شخص در آستانه مرگ، آن را تجربه کرده و ممکن است شامل تجربه مثبت و آرام‌بخش یا تجربه منفی و اضطراب‌آور و یا بدون هیچ حسی باشد. در تجربه مثبت، احساساتی مثل احساس خروج از بدن، احساس ششاور بودن، سکوت کامل، احساس امنیت و گرم‌ا، تجربه از هم پاشیدگی، دیدن تونل، دیدن نور، دیدن بستگان فوت‌شده و غیره وجود دارد؛ در تجربه منفی، احساساتی همچون درد و اضطراب وجود دارد. توضیحات در مورد این تجربه از نظر علمی و مذهبی بسیار متفاوت است. ^(۲)

نکته اول: در ابتدا باید به این نکته توجه داشت که مشاهدات و تجربیاتی که از مسئله مرگ بیان می‌شود، باید در جای خود ثابت شده و گزارش‌هایی که از ایشان به دست می‌آید باید مورد راستی آزمایی قرار گیرد و در ادامه باید ثابت شود که آنچه ایشان مورد تجربه شخصی قرار داده‌اند، واقعیتی بیرون از ذهن و ضمیر ایشان بوده و جلوی‌ای از تخیلات و توهمات

با این مقدمه به سراغ سؤال یاد شده رفته و پاسخ آن را در قالب چند نکته تقدیم می‌کنیم.

نکته اول: در ابتدا باید به این نکته توجه داشت که مشاهدات و تجربیاتی که از مسئله مرگ بیان می‌شود، باید در جای خود ثابت شده و گزارش‌هایی که از ایشان به دست می‌آید باید مورد راستی آزمایی قرار گیرد و در ادامه باید ثابت شود که آنچه ایشان مورد تجربه شخصی قرار داده‌اند، واقعیتی بیرون از ذهن و ضمیر ایشان بوده و جلوی‌ای از تخیلات و توهمات

معارف

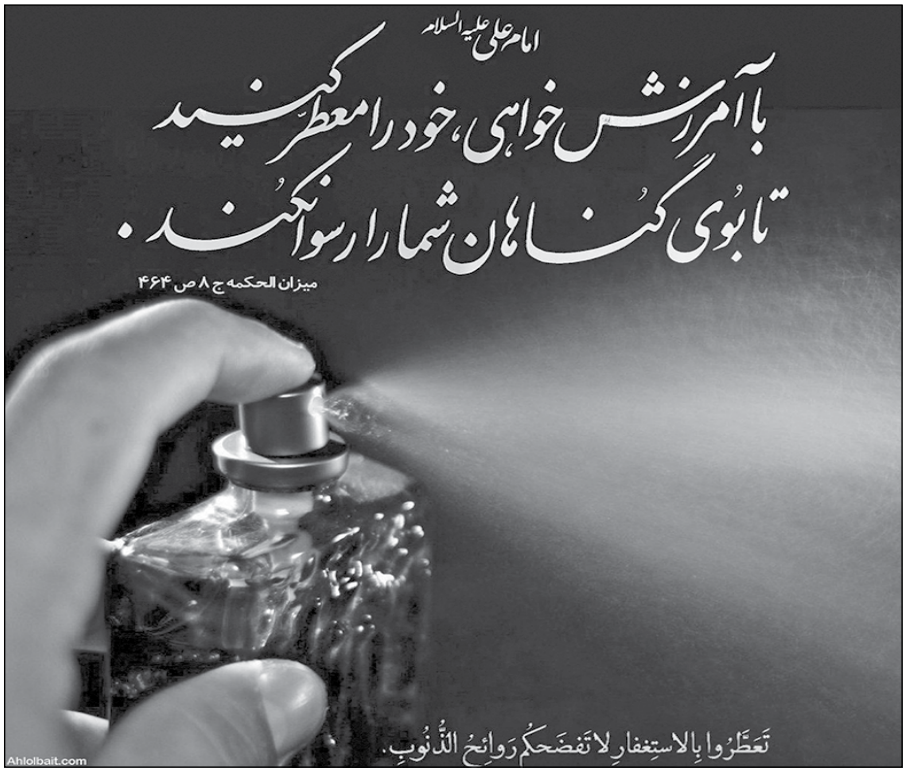
MaarefKayhan@Kayhan.ir

رابطه توبه و استغفار

منصور حسینی

در روایات است که پیامبر(ص) به هنگام برخاستن از هر مجلسی دست کم ۲۵ بار استغفار می‌گفت؛ زیرا حضور در مجلس و گفتارها و رفتارها می‌تواند همراه با سوءبرداشت‌ها از سوی مخاطبین و حاضرین باشد که لازم است با استغفار از آنها رهایی یابد. بنابراین، وقتی از توبه یا استغفار به طور مطلق یاد می‌شود، همواره به معنای توبه و استغفار از گناه و خطا نیست؛ بلکه می‌تواند توبه از اشتغالات به غیر الله باشد یا استغفار ازذنوب و پیامدهای اعمال حتی خیر و مقبول مبتنی بر دین باشد که می‌تواند خطر آفرین باشد.

توبه توده مردم، توبه از گناهان است.(مستدرک الوسائل، ج ۲ ص ۳۴۵) بنابراین، توبه خاص که برای مقربان است، توبه از اشتغالات به غیر الله است؛ زیرا «حساناتالابرار سیئات عند المقربین؛ حسنات ابرار برای مقربان سیئه است.» البته باید توجه داشت که حتی مقربان دارای «ذنوب» در اعمال هستند، که البته نیازی به توبه نیست؛ اما نیاز به «مغفرت» الهی است؛ زیرا ذنب به معنی پیامدهای اعمال است؛ و انسان وقتی کاری انجام می‌دهد که مطابق دین می‌پذیرد و به سوی خدا باز می‌گردد، سپس خدا توبه‌بندش را می‌پذیرد و این‌گونه او را تحت اسم غفور قرار می‌دهد و اهل مغفرت می‌شود که بازتاب آن، رفع بلا و مصیبت، عفو بلا و مصیبت و بدل محبت از سوزی خدا و جلب نعمت به سوی بنده است.(بقره، آی۳۷، نور، آیات ۱۴ و ۲۱؛ نساء، آیه ۶۴) بنده توبه کاری که توبه‌اش پذیرفته شده، از ظهور و بروز اسم جلال و حاکمیت آن می‌رهد و تحت وجه اکرامی الهی



که می‌توانست خطر آفرین باشد؛ از همین رو لازم است تا پیامبر(ص) با استغفار، خود را تحت اسم غفور قرار دهد و از مغفرت الهی برخوردار شده و آن خطرات از ایشان رفع یا دفع شود و نعمت و منافع فتح جاری و ساری گردد.(فتح، آیات ۱ و ۲) در روایات است که پیامبر(ص) به هنگام برخاستن از هر مجلسی دست کم ۲۵ بار استغفار می‌گفت؛ زیرا حضور در مجلس و گفتارها و رفتارها می‌تواند همراه با سوءبرداشت‌ها از سوی مخاطبین و حاضرین باشد که لازم است با استغفار از آنها رهایی یابد. بنابراین، وقتی از توبه یا استغفار به طور مطلق یاد می‌شود، همواره به معنای توبه و استغفار از گناه و خطا نیست؛ بلکه می‌تواند توبه از اشتغالات به غیر الله باشد یا استغفار ازذنوب و پیامدهای اعمال حتی خیر و مقبول مبتنی بر دین باشد که می‌تواند خطر آفرین باشد. پیامبر گرامی اسلام(صلی‌الله علیه و آله) می‌فرماید: **طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِيْ حُضْنِهِ غَمْلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ** تَحْتَ كُلِّ ذَنْبٍ «استغفِرُالله»؛ خوشا به حال کسی که در نامهٔ عملش روز قیامت، زیر هر گناهی که کرده یک «استغفار» ببیند. (تفسیر مفسنات، ج ۱، ص ۸۹)

بنابراین، به نظر می‌رسد که اکثریت مؤمنان که از اصحاب و یمین و ابرار هستند، لازم است به توبه و استغفار به عنوان مهم‌ترین ابزار برای دفع و رفع و جلب نعمت و منفعت اهتمام ورزند؛ زیرا بسیاری از ابرار به سبب اشتغالات به زندگی دنیوی گرفتار غفلت یا حتی شرک خفی یعنی شرک در توحید افعالی می‌شوند که لازم است با توبه، خود را در مسیر درست قرار دهند که همان اشتغال به خدا است. (یوسف، آیه ۱۰۶)

همچنین پیامبر گرامی اسلام نسبت به تأخیر در امر توبه هشدار می‌دهد و می‌فرماید: **تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ إِغْرَارٌ** سهل‌انگاری در توبه و به تأخیر انداختن آن، یک خدعه و عمل فریبکارانه است. (تحف‌المعول، ص ۲۸۰) یکی نیست که این فریب از سوی لباس و شیطانی است که خدا او را به نام «غرور» معرفی می‌کند.(لقمان، آیه ۲۳: فاطر، آیه ۵)

بنابراین، مؤمن متقی کسی است که همواره نسبت به عمرکرد خویش هوشیار و بیدار است و به مراقبه و نیز محاسبه می‌پردازد تا در دام تأخیر در توبه نیفتد؛ بر اساس آموزه‌های وحیانی فرصت توبه و استغفار هر چند طولانی است، اما باید قبل از نیت و ضبط عمل در نامه اعمال اقدام کند؛ چنان‌که امام جعفرصادق(ع) می‌فرماید: **إِنْ التَّعْبُ أَدَا أَذْنَكَ ذَنْبًا أَجَلَتْ** شنیدن ساعت قان استغفار لله کم بکتب علیه شیءٌ و نَزَّ مَضَتْ التَّعْبُ السَّاعَاتُ و لَمْ يَسْتَغْفِرْ كَتَبَ عَلَيْهِ سَيِّئَةً؛ بنده هر گاه گناهی مرتکب شود خداوند تا هفت ساعت او را مهلت می‌دهد چنانچه توبه کرد چیزی برای او نوشته نمی‌شود و الا آنها یک گناه برایش ثبت می‌گردد. (لثالی‌الاحبار، ج ۱، ص ۳۲۷)

تجربیات نزدیک به مرگ

انباشته ذهنی که در آن لحظه خود را نمایش داده است، نباشد که البته این اثبات، نمی‌تواند راحت و ساده صورت گیرد، زیرا به شدت مبتنی بر یک تجربه شخصی و غیرقابل اشتراک است. در نتیجه حتی اگر شخصی بتواند درستی گفتار خود را در خصوص مسائل دنیوی به اثبات برساند ^(۳) بازهم دلیل نمی‌شود که آنچه را که از عوالم غیب، بازگو می‌کند نیز درست است!

بنابراین در تعارض میان یافته‌های تجربی در تجربیات نزدیک به مرگ و آموزه‌های صریح دینی، آنچه باید کنار گذاشته شده و نادیده انگاشته شود، تجربیات نزدیک به مرگ است. چراکه آموزه‌های دینی، پای در یقینیات و یافته‌های قطعی دارد و این

تجربه نزدیک به مرگ، یک تجربه کاملاً شخصی و غیرقابل اشتراک (و به تبع آن غیرقابل اثبات) برای اشخاص است که در حقیقت تجربه‌ای از انفعال روح از بدن است که نمی‌توان آن را به‌عنوان مرگ حقیقی انسان، قلمداد کرده و آن را صد در صد مطابق با آموزه‌های اسلامی دانست.

صفحه ۶

پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۴

۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۴۰۰۴

اصولاً بدون پیشیمانی، توبه و بازگشت معنایی ندارد؛ از همین رو امام علی(ع) می‌فرماید: پیشیمانی از کار بد، خود باعث ترک آن خواهد شد.

حال کسی که به خاطر گناهانی که مرتکب شده‌گریه می‌کند (و پیشیمان است) و مردم از شر و آزار او در امان هستند. (الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۵)

آثار و نشانه‌های توبه و استغفار

بر اساس روایات بسیار، استغفار موجب تزئین مستغفر تواب می‌شود و او را معطر می‌کند؛ امام رضاع) می‌فرماید: **تَغْفُرُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ وَلَا تَغْفَحْكُمْ زَوَائِعُ الذُّنُوبِ**؛ با استغفار کردن، خود را معطر و خوشبو کنید تا رایحهٔ (متغفر) گناه، شمارا از مفتضخ نمایاند.(جامع احادیث‌الشیعیه، ج ۱۴، ص ۳۳۷) از همین رو بر اساس آموزه‌های قرآنی، توبه و استغفار نه تنها موجب تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان می‌شود(احقاف، آیات ۱۵ و ۱۶؛ تحریم، آیه ۸)، بلکه خودش «خیر» است(توبه، آیه ۳) و موجب جلب رحمت رحیمی خدا می‌شود(بقره، آیه ۳۷، مائده، آیه ۳۴) و حتی رزشتی‌ها را به حسانت تبدیل می‌کند(قرآن، آیه ۷۰) و سبب تزکیه و رشد معنوی انسان می‌گردد.(نور، آیات ۱۴ و ۲۱)

از آثار توبه خالص و صحیح آن است که باطن و ظاهر انسان را یکسان می‌کند و قویش فغش را تصدیق می‌کند و بر عکس؛ چنین توبه‌ای است که آثار بسیاری دارد و به عنوان برترین مصادیق توبه و درجیات آن مطرح می‌شود؛چنان‌که امام هادی(ع) می‌فرماید: **التَّوْبَةُ النَّصُوحُ** آن بگونِ اِلْبَاطِئِ کَافِظِهرِ اَفْضَلُ مِنْ ذَکَکَ؛ توبهٔ خالصانه آن است که باطن شخصی با ظاهر او یکی باشد بلکه بهتر و والاتر. (سفینه، ج ۱، ص ۱۲۶) پس حقیقت توبه نضوح که قرآن بدان دعوت می‌کند، ایجاد حالت ذهن حقیقی در تصدیق قول و فعل است.

امام جعفرصادق(ع) می‌فرماید: **إِذَا تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَصُوحًا أَخْبَهُ اللَّهُ فَشَرَّ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**؛ وقتی بنده توبهٔ خالصه می‌کند خدا هم او را دوست می‌دارد و عیویش را در دنیا و آخرت می‌پوشاند. (اصول کافی، ج ۴، ص ۱۶۲)

از آثار دیگر توبه می‌توان به پذیرش دعا از سوی خدا اشاره کرد؛ یعنی همان گونه که توبه موجب قبولی اعمال نیک انسان از سوی خدا می‌شود(احقاف، آیات ۱۵ و ۱۶)، همچنین موجب پذیرش دعایش از سوی خدا می‌شود؛ پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: **ثَلَاثَةٌ لَا تَزِدُ لَهُمْ دَعْوَةَ السَّخِيّ وَالْغَرِیْضِ وَالنَّائِبِ**؛ سه نفرند که دعایشان رد نمی‌شود (و مستجاب است)، آدم سخاوتمند و شخص مریض و کسی که از گناهش توبه می‌کند. (مواعظ عدیه، ص ۱۰)

توبه همانند منهدم کننده عمل می‌کند، مولی

امیرالمؤمنین(ع) در بیان آثار توبه می‌فرماید: **ما أعظم التَّوْبَةَ**

لِعَظِيمِ الْجُرْمِ؛ براستی که توبه کردن تا چه اندازه گناهان عظیم

و بزرگ را منهدم می‌کند.(فهرست غرر، ص ۴۰)

و این باره رسول خدا می‌فرماید: **التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ**

لَا ذَنْبَ لَهُ؛ کسی که از گناه توبه کرده مانند کسی است که

گناهی نکرده است. (الشهاب فی‌الحکم و آداب، ص ۱۸)

از دیگر آثار توبه می‌توان به تحقق مغفرت و غفران الهی

اشاره کرد؛ در آیات قرآن توبه با غفور و مغفرت همراه شده

استغفار می‌کندند.(ذاریات، آیه ۱۸)